

پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوبه‌ها شیخ محمد صالح المنجد حفظه الله تعالى

موضوع:

۱. عقاید؛ شناخت خداوند (وجود، صفات و افعال)
۲. عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ پیامبر خاتم؛ ویژگی‌های پیامبر خاتم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پرسش

نویسنده: عمر

تاریخ: ۱۳۹۵/۸/۲

آیا رسول خدا چهره‌ی خدا را دیده است؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۵/۸/۷

خداوند جسم نیست و صورت جسمانی ندارد تا با چشم جسمانی دیده شود؛ زیرا جسم پدیده‌ای قابل تجزیه و ترکیب و دارای جرم و وزن است که در چهار فاز جامد، مایع، گاز و پلازما نمود می‌یابد و به اندازه‌ی طول، عرض و عمق خود فضایی را پر و پیرامون آن را خالی می‌کند و قهراً حرکت، دگرگونی و فنا می‌پذیرد، در حالی که خداوند خالق جسم است و تبعاً از همه‌ی خصوصیات و محدودیت‌های آن منزّه است؛ چنانکه فرموده است: **﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ﴾**^۱؛ «چیزی چون مانند او بی نیست» و با این وصف، دیدن او با چشم جسمانی امکان ندارد؛ چنانکه فرموده است: **﴿لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾**^۲؛ «چشم‌ها او را درک نمی‌کنند و او چشم‌ها را درک می‌کند و او لطیف آگاه است»؛ زیرا چشم جسمانی تنها قادر به دیدن اجسامی است که با آن سنخیت و تناسب دارند و خداوند نه جسم است و نه با چشم جسمانی سنخیت و تناسب دارد و با این وصف، دیدن او با چشم جسمانی امکان‌پذیر نیست؛ چنانکه فرموده است: **﴿وَلَمَّا جَاءَ مُوسَىٰ لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرْنِي أُنظُرُ إِلَيْكَ ۖ قَالَ لَنْ تَرَانِي وَلَكِنْ انظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي ۖ فَلَمَّا تَجَلَّىٰ رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَىٰ صَعِقًا ۖ فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ﴾**^۳؛ «و چون موسی برای میقات ما آمد و پروردگارش با او تکلم کرد گفت: پروردگارا! خودت را به من نشان بده تا به تو نظر کنم، فرمود: هرگز من را نخواهی دید، ولی به کوه نظر کن، پس اگر در جای خود پایدار ماند من را خواهی دید! پس چون پروردگارش برای کوه تجلی کرد،

۱. الشوری / ۱۱

۲. الأنعام / ۱۰۳

۳. الأعراف / ۱۴۳

آن را هموار ساخت و موسی بی‌هوش افتاد، پس چون به هوش آمد گفت: منزهی! به سویت توبه می‌کنم و من نخستین مؤمنان هستم» و روشن است که «لَنْ تَرَانِي»؛ «هرگز من را نخواهی دید» نفی ابدی است و با اطلاق خود دنیا و آخرت را شامل می‌شود. وانگهی دیدن خداوند در دنیا یا آخرت، به معنای احاطه‌ی علمی به اوست؛ زیرا احاطه‌ی علمی به چیزی از دو طریق تعقل و حس حاصل می‌شود و حس از پنج طریق بینایی، شنوایی، چشایی، بویایی و بساویبی (لامسه) انجام می‌شود و با این وصف، چیزی که در دنیا یا آخرت دیده یا شنیده یا چشیده یا بوییده یا لمس می‌شود، به احاطه‌ی علمی در می‌آید، در حالی که احاطه‌ی علمی به خداوند محال است؛ چنانکه فرموده است: «وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا»؛ «و به او احاطه‌ی علمی نمی‌یابند». از اینجا دانسته می‌شود که دیدن خداوند - نه در دنیا و نه در آخرت - ممکن نیست و روایاتی که آن را در آخرت ممکن می‌دانند، بر خلاف عمومات و محکّمات قرآن و بر خلاف عقل سلیم هستند و به دستور حاکمان ظالمی مانند متوکل عبّاسی (د. ۲۴۷ق) در قرن سوم رواج یافته‌اند، بلکه مانند اسرائیلیات خاستگاهی یهودی دارند؛ زیرا انتظار دیدن خداوند با چشم جسمانی، انتظار گروهی از یهودیان بوده که خداوند آنان را به سبب آن هلاک کرده؛ چنانکه فرموده است: «يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تَنْزِلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَى أَكْبَرَ مِنْ ذَلِكَ فَقَالُوا أَرِنَا اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ»^۳؛ «اهل کتاب از تو می‌خواهند که برای آنان کتابی از آسمان فرود آوری، هرآینه از موسی چیزی بزرگ‌تر از این خواستند، پس گفتند: خدا را آشکارا به ما نشان بده، پس صاعقه آنان را به سبب ظلمشان گرفت» و خطاب به آنان فرموده است: «وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمْ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ»^۴؛ «و هنگامی که گفتید: ای موسی! هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم تا آن گاه که خدا را آشکارا ببینیم، پس صاعقه شما را گرفت در حالی که نگاه می‌کردید». این در حالی است که اگر دیدن خداوند با چشم جسمانی در آخرت ممکن و مطلوب بود، مطالبه‌ی آن در دنیا مستحقّ چنین مجازاتی نبود! از این روست که حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی می‌فرماید:

«أَلَا يَخَافُ الَّذِينَ يُرِيدُونَ رُؤْيَا اللَّهِ كَرُؤِيَّةَ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ أَنْ يَأْخُذَهُمْ مَا أَخَذَ سَفَهَاءَ بَنِي إِسْرَائِيلَ؟! «قَالُوا أَرِنَا اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ»^۵؛ «آیا کسانی که می‌خواهند خدا را مانند ماه شب چهاردهم ببینند نمی‌ترسند که آنان را چیزی بگیرد که سفهاء بنی اسرائیل را گرفت؟! >گفتند: خدا را آشکارا به ما نشان بده، پس صاعقه آنان را گرفت!<».

۱. طه / ۱۱۰

۲. نگاه کنید به: تاریخ بغداد للخطیب البغدادي، ج ۱۰، ص ۶۸؛ تاریخ الإسلام للذهبي، ج ۱۷، ص ۱۳.

۳. النساء / ۱۵۳

۴. البقرة / ۵۵

۵. النساء / ۱۵۳

۶. گفتار ۱۰۸، فقره ۵

بلکه چنین انتظاری در نظر آن جناب، مانند انتظار کافران، مستکبران، طغیان‌گران و مجرمان است؛ چنانکه خداوند درباره‌ی آنان فرموده است: ﴿وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةُ أَوْ نَرَىٰ رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًّا كَبِيرًا ﴿۱﴾ يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَىٰ يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ حَجْرًا مَّحْجُورًا﴾؛ «و کسانی که امیدی به لقاء ما ندارند می‌گویند: چرا فرشتگان بر ما نازل نشدند یا پروردگاران ما را نمی‌بینیم؟! به راستی که در خودهاشان استکبار ورزیدند و طغیانی بزرگ کردند! روزی که فرشتگان را می‌بینند در آن روز بشارتی برای مجرمان نیست و می‌گویند: (ما را از عذاب) دور دارید و باز دارید» و این چیزی است که یکی از یارانمان ما را از آن خبر داد، گفت:

«قُلْتُ لِلْمَنْصُورِ: إِنَّهُمْ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ يَرَوْنَ رَبَّهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَمَا يَرَوْنَ الْقَمَرَ فِي السَّمَاءِ! قَالَ: لَا يَزْعُمُونَ إِلَّا كَمَا زَعَمَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَكْذِيبَهُمْ فِي الْقُرْآنِ فَقَالَ: ﴿لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾﴾^۲ قُلْتُ: إِنَّهُمْ يَقُولُونَ ﴿لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ﴾ قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ! قَالَ: كَذَبُوا! لَوْ أَرَادَ اللَّهُ ذَلِكَ لَقَالَهُ! أَمَا بَلَّغْتُمْ قَوْلَهُ تَعَالَى: ﴿وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةُ أَوْ نَرَىٰ رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًّا كَبِيرًا ﴿۱﴾ يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَىٰ يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ حَجْرًا مَّحْجُورًا﴾^۳! فَيَقُولُ: ﴿يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ﴾ وَلَا يَقُولُ: ﴿يَرَوْنَ رَبَّهُمْ﴾ وَإِنَّمَا سَأَلُوا رُؤْيَيْتَهُ فَلَوْ كَانُوا يَرَوْنَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَقَالَ: ﴿يَوْمَ يَرَوْنَ رَبَّهُمْ﴾! قُلْتُ: إِنَّهُمْ أَكْثَرُ شَيْءٍ جَدَلًا يَقُولُونَ إِنَّمَا يَرَاهُ الْمُؤْمِنُونَ! قَالَ: إِذَا يَرَوْنَهُ بِقُلُوبِهِمْ وَلَا يَرَوْنَهُ بِأَبْصَارِهِمْ! قُلْتُ: لِمَ أَدَّأ؟! قَالَ: لِقَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ﴾^۴ فَلَوْ كَانَ شَيْئًا يَرَاهُ الْمُؤْمِنُونَ بِأَبْصَارِهِمْ لَرَأَهُ الْكَافِرُونَ بِأَبْصَارِهِمْ لِأَنَّهَا لَا تَعْمَى أَبْصَارَهُمْ وَلَكِنْ تَعْمَى قُلُوبَهُمْ الَّتِي فِي صُدُورِهِمْ! قُلْتُ: أَلَيْسَ اللَّهُ تَعَالَى يَقُولُ: ﴿كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ﴾^۵؟ فَلَعَلَّهُمْ لَا يَرَوْنَهُ بِأَبْصَارِهِمْ لِأَنَّهُمْ مَحْجُوبُونَ عَنْهُ! قَالَ: أَفَرَأَى مَا يَقُولُ قَبْلَ هَذَا! فَقَرَأْتُ: ﴿كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾^۶! قَالَ: فَلَا يَرَوْنَهُ بِقُلُوبِهِمْ إِذْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَحَجَبُوا عَنْهُ بَرِيْنِ الْقُلُوبِ! قُلْتُ: هَذَا وَاللَّهِ الْحِكْمَةُ وَفَضْلُ الْخُطَابِ!»: «به منصور گفتم: آن‌ها می‌پندارند که پروردگارشان را در روز قیامت می‌بینند همان‌گونه که ماه را در آسمان می‌بینند! فرمود: نمی‌پندارند مگر همان‌گونه که کسانی پیش از آن‌ها می‌پنداشتند، پس خداوند تکذیب آن‌ها را در قرآن نازل کرد، پس فرمود:

۱. الفرقان / ۲۱ و ۲۲
۲. الأنعام / ۱۰۳
۳. الفرقان / ۲۱ و ۲۲
۴. الحج / ۴۶
۵. المطففين / ۱۵
۶. المطففين / ۱۴



> چشم‌ها او را درک نمی‌کنند و او چشم‌ها را درک می‌کند و او لطیف آگاه است!<
گفتم: آن‌ها می‌گویند >چشم‌ها او را درک نمی‌کنند< پیش از روز قیامت! فرمود: دروغ
می‌گویند! اگر خداوند این را اراده کرده بود این را می‌فرمود! آیا سخن او به آن‌ها نرسیده
است که می‌فرماید: >و کسانی که امیدی به لقاء ما ندارند می‌گویند: چرا فرشتگان
بر ما نازل نشدند یا پروردگاران را نمی‌بینیم؟!< به راستی که در خودهاشان استکبار
ورزیدند و طغیانی بزرگ کردند! روزی که فرشتگان را می‌بینند در آن روز بشارتی برای
مجرمان نیست و می‌گویند: (ما را از عذاب) دور دارید و باز دارید؟! پس می‌فرماید:
>روزی که فرشتگان را می‌بینند< و نمی‌فرماید: >پروردگارشان را می‌بینند<، در حالی
که آن‌ها دیدن او را خواستند، پس اگر او را در روز قیامت می‌دیدند می‌فرمود: >روزی
که پروردگارشان را می‌بینند<! گفتم: آن‌ها بیش از هر کسی جدال می‌کنند، می‌گویند
که تنها مؤمنان او را می‌بینند! فرمود: در این صورت او را با دل‌های خود می‌بینند و با
چشم‌های خود نمی‌بینند! گفتم: چرا؟! فرمود: به خاطر سخن خداوند که می‌فرماید:
>بی‌گمان چشم‌ها کور نیست، بل دل‌هایی که در سینه‌هاست کور است!<. پس اگر
چیزی بود که مؤمنان آن را با چشم‌های خود می‌دیدند، بی‌گمان کافران نیز آن را با
چشم‌های خود می‌دیدند؛ چراکه چشم‌های آن‌ها کور نیست، بل دل‌های آن‌ها که در
سینه‌هاشان است کور است! گفتم: آیا نه این است که خداوند می‌فرماید: >چنین
نیست، هرآینه آن‌ها در آن روز از پروردگارشان در حجابند<؟ پس شاید به این خاطر او را با
چشم‌های خود نمی‌بینند که از او در حجابند! فرمود: چیزی که پیش از این می‌فرماید را
بخوان! پس خواندم: >چنین نیست، بل چیزی که کسب می‌کردند دل‌هاشان را پوشانیده
است!< فرمود: پس او را با دل‌هاشان نمی‌بینند؛ چراکه دل‌هاشان را پوشانیده است، پس
با پوشش دل‌ها از او در حجابند! گفتم: این به خدا سوگند حکمت و سخن آخر است».

از اینجا دانسته می‌شود که روایات مذکور -در صورت صحت‌شان- حاوی استعاره و کنایه هستند؛
با این تقریر که مرادشان از دیدن خداوند در روز قیامت، دیدن آیات بزرگ او با **«عَيْنَ الْبَقِينِ»** و به
نحوی است که هیچ شک و شبهه‌ای درباره‌ی او باقی نمی‌ماند، نه دیدن ذات نامحدودش با چشم
محدود که عقلاً ممکن نیست و بر خلاف نصوص صریح او در قرآن است؛ چنانکه مراد از ناظر بودن
روی‌های مؤمنان به سوی خداوند در آیه **«وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاصِرَةٌ ﴿١٠٠﴾ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ ﴿١٠١﴾»**؛ «روی‌هایی
در آن روز شادابند، به سوی پروردگارشان ناظرند»، متوجه بودن آن‌ها به سوی اوست؛ چنانکه
فرموده است: **«إِنِّي وَجْهَتُ وَجْهِي لِلذِّی فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٠٢﴾»**؛ «من
خالصانه روی خود را متوجه کسی کردم که آسمان‌ها و زمین را پدید آورد و من از مشرکان نیستم»

۱. القیامة/ ۲۲ و ۲۳

۲. الأنعام/ ۷۹

و گفته می‌شود: «منظور ما خداوند است» یا «ما به خداوند نظر داریم»؛ خصوصاً با توجه به اینکه **«ناظِرَةٌ»** در آیهی مذکور صفتی برای **«وَجُوهٌ»** است، نه صفتی برای «أبصار» و ناظر بودن روی‌ها به سوی خداوند متوجه بودن آن‌ها به سوی او یا رحمتش بر خلاف کسانی است که به او یا رحمتش پشت دارند؛ چنانکه فرموده است: **«أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَىٰ وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»**^۱؛ «آیا پس کسی که افتاده بر رویش راه می‌رود هدایت‌یافته‌تر است یا کسی که راست‌قامت بر راهی راست گام می‌نهد؟!» و روشن است که این تأویلی بدون دلیل نیست، بل حاصل جمع این آیهی متشابه با آیات محکماتی مانند **«لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ»**؛ «چشم‌ها او را درک نمی‌کنند» و **«لَنْ تَرَانِي»**؛ «هرگز من را نخواهی دید» است.

آری، خداوند در سوره‌ی تکویر پس از آنکه قرآن را کلام فرستاده‌ای گرامی، نیرومند، فرمان‌روا و امین یعنی جبرئیل علیه السلام دانسته، فرموده است: **«وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ ۚ وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأَفْقِ الْمُبِينِ»**^۲؛ «و همنشین شما (پیامبر) دیوانه نیست و هرآینه او را در افق روشن دید»، در حالی که واضح است مراد از «او» در آن خداوند نیست، بل جبرئیل علیه السلام است که در آیات پیشین به او اشاره کرده؛ همچنانکه در سوره‌ی نجم، پس از ذکر نزول جبرئیل علیه السلام بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، فرموده است: **«مَا كَذَّبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ ۚ أَفَتُمَارُونَهُ عَلَىٰ مَا يَرَىٰ ۚ وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ ۚ عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ ۚ عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ ۚ إِذْ يَغْشَى السُّدْرَةَ مَا يَغْشَىٰ ۚ مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ»**^۳؛ «دل چیزی را که دید دروغ ندانست، آیا پس با او درباره‌ی چیزی که می‌بیند مناقشه می‌کنید؟! و یک بار دیگر نیز او را دید، نزد درخت سدر منتها که نزد آن بهشت برین است، هنگامی که چیزی فراگیر درخت سدر را فرا می‌گرفت، چشم هرگز فرو نماند و فراتر نرفت»، ولی روشن است که اولاً دیدن در آیهی **«مَا كَذَّبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ»**؛ «دل چیزی را که دید دروغ ندانست» به «دل» نسبت داده شده است، نه به «چشم» و دیدن دل به معنای ادراک عقلی است، نه حسی؛ چنانکه از ابن عباس روایت شده است که در تفسیر آن گفت: **«رَأَاهُ بِقَلْبِهِ»**؛ «او را با دلش دید» و گفت: **«رَأَاهُ بِفُؤَادِهِ مَرَّتَيْنِ»**؛ «او را دو بار با دلش دید»^۴ و از ابو ذر روایت شده است که گفت: **«رَأَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ رَبَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ بِقَلْبِهِ وَلَمْ يَرَهُ بِبَصَرِهِ»**^۵؛ «پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پروردگارش تبارک و تعالی را با دلش دید و با چشمش ندید»؛ ثانیاً مرجع ضمیر در آیهی **«وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ»**؛ «و یک بار دیگر نیز او را دید»، خداوند نیست، بل جبرئیل علیه السلام است که در آیات پیشین از دیدار نخست او با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سخن به میان آمده است؛ چنانکه از ابو هریره روایت شده است که در تفسیر آن گفت: **«رَأَى جِبْرِيْلًا»**؛ «جبرئیل را دید»

۱. الملك / ۲۲

۲. التکویر / ۲۲ و ۲۳

۳. النجم / ۱۱-۱۷

۴. نگاه کنید به: صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۰۹؛ سنن الترمذی، ج ۵، ص ۷۰.

۵. السنن الکبری للنسائی، ج ۶، ص ۴۷۲

و از مسروق روایت شده است که گفت: «كُنْتُ مَتَكِنًا عِنْدَ عَائِشَةَ، فَقَالَتْ: يَا أَبَا عَائِشَةَ! ثَلَاثٌ مَنْ تَكَلَّمَ بِوَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ فَقَدْ أَعْظَمَ عَلَى اللَّهِ الْفِرْيَةَ، قُلْتُ: مَا هُنَّ؟ قَالَتْ: مَنْ زَعَمَ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ رَأَى رَبَّهُ فَقَدْ أَعْظَمَ عَلَى اللَّهِ الْفِرْيَةَ، قَالَ: وَكُنْتُ مَتَكِنًا فَجَلَسْتُ فَقُلْتُ: يَا أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ! أَنْظِرِينِي وَلَا تَعْجَلِينِي، أَلَمْ يَقُلِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَلَقَدْ رَأَى بِالْأَفْقِ الْمُبِينِ﴾ ﴿وَلَقَدْ رَأَى نَزْلَةَ أُخْرَى﴾؟! فَقَالَتْ: أَنَا أَوَّلُ هَذِهِ الْأُمَّةِ سَأَلَ عَنْ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: إِنَّمَا هُوَ جَبْرِيْلٌ لَمْ أَرَهُ عَلَى صُوْرَتِهِ الَّتِي خُلِقَ عَلَيْهَا غَيْرَ هَاتَيْنِ الْمَرْتَيْنِ رَأَيْتُهُ مُنْهَبِطًا مِنَ السَّمَاءِ سَادًّا عَظْمَ خَلْقِهِ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ، فَقَالَتْ: أَوْ لَمْ تَسْمَعْ أَنَّ اللَّهَ يَقُولُ: ﴿لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾؟! أَوْ لَمْ تَسْمَعْ أَنَّ اللَّهَ يَقُولُ: ﴿وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكْلِمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيُّ حَكِيمٌ﴾؟! قَالَتْ: وَمَنْ زَعَمَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كَتَمَ شَيْئًا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ فَقَدْ أَعْظَمَ عَلَى اللَّهِ الْفِرْيَةَ وَاللَّهُ يَقُولُ: ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ﴾ قَالَتْ: وَمَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُخْبِرُ بِمَا يَكُونُ فِي غَدِّ فَقَدْ أَعْظَمَ عَلَى اللَّهِ الْفِرْيَةَ وَاللَّهُ يَقُولُ: ﴿قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ﴾! «نزد عائشه تكيه داده بودم، پس گفت: ای ابا عائشه! سه چیز است که هر کس یکی از آن‌ها را بر زبان بیاورد، افتراء عظیمی بر خداوند بسته است! گفتم: آن سه چیستند؟ گفت: هر کس گمان کند که محمد صلی الله علیه و آله و سلم پروردگارش را دیده، افتراء عظیمی بر خداوند بسته است! (مسروق) گفت: من تکیه داده بودم، پس راست نشستم و گفتم: ای امّ المؤمنین! به من فرصت بده و عجله نکن، آیا خداوند عزّ و جلّ نفرموده است: <و هرآینه او را در افق روشن دید> <و هرآینه یک بار دیگر نیز او را دید؟> پس گفت: من نخستین کسی از این امت هستم که در این باره از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سؤال کردم، پس فرمود: او صرفاً جبرئیل بود، او را جز همین دو بار با صورتی که بر آن آفریده شده است ندیدم، او را در حال فرود آمدن از آسمان دیدم که بزرگی خلقتش آسمان تا زمین را پوشانده بود، سپس (عائشه) گفت: آیا نشنیده‌ای که خداوند می‌فرماید: <چشم‌ها او را درک نمی‌کنند و او چشم‌ها را درک می‌کند و او لطیف آگاه است> و یا نشنیده‌ای که خداوند می‌فرماید: <هیچ بشری را نمی‌رسد که خداوند با او سخن گوید مگر از طریق وحی یا از پشت حجاب یا فرستاده‌ای را بفرستد پس به اذن او چیزی که می‌خواهد را برساند، هرآینه او والایی حکیم است>! گفت: و هر کس گمان کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چیزی از کتاب خدا را کتمان کرده، افتراء عظیمی بر خداوند بسته است، در حالی که خداوند می‌فرماید: <ای پیامبر! چیزی که از پروردگارت به سوی تو نازل شد را ابلاغ کن که اگر نکنی رسالت او را ابلاغ نکرده‌ای>! گفت: و هر کس گمان کند که از آنچه در فردا است خبر می‌دهد، افتراء عظیمی بر خداوند بسته است، در حالی که خداوند می‌فرماید: <و کسی که در آسمان‌ها و زمین است جز خداوند غیب را نمی‌داند>»؛ ثالثاً مراد از «مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَى»؛ «چشم هرگز فرو نماند و فراتر نرفت»،



به دیدن خداوند اشاره ندارد، بل به دیدن آیات بزرگ او اشاره دارد که در آیهی پسین درباره‌ی آن‌ها سخن گفته و فرموده است: **«لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى»**^۱؛ «هرآینه برخی از آیات بزرگ پروردگارش را دید»؛ چنانکه از عبد الله بن شقیق روایت شده است که گفت: **«قُلْتُ لِأَبِي ذَرٍّ: لَوْ رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لَسَأَلْتُهُ، فَقَالَ: عَنْ أَيِّ شَيْءٍ كُنْتَ تَسْأَلُهُ؟ قَالَ: كُنْتُ أَسْأَلُهُ هَلْ رَأَيْتَ رَبَّكَ؟ قَالَ أَبُو ذَرٍّ: قَدْ سَأَلْتُ فَقَالَ: رَأَيْتُ نُورًا»**^۲؛ «به ابو ذر گفتیم: اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را می‌دیدم از او می‌پرسیدم، گفت: چه چیزی می‌پرسیدی؟ گفتیم: می‌پرسیدم که آیا پروردگارت را دیده‌ای؟ ابو ذر گفت: من پرسیدم، پس فرمود: نوری را دیدم».

حاصل آنکه بر خلاف پندار بسیاری از مسلمانان، دیدن خداوند با چشم در دنیا یا آخرت ممکن نیست و تبعاً پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز او را با چشم ندیده است و اعتقاد به دیدن او با چشم در دنیا یا آخرت، از اعتقادات مشرکان و یهودیان است که او را مانند جسم و دارای صورت می‌پندارند، ولی دیدن خداوند با دل به معنای **«عِلْمَ الْيَقِينِ»** درباره‌ی او و **«عَيْنَ الْيَقِينِ»** درباره‌ی وعده و وعیدش ممکن، بلکه قطعی است و مراد از **«لِقَاءَ اللَّهِ»** همین است.

توفیق همه‌ی مسلمانان در بازگشت به دین خالص و کامل را از درگاه خداوند مسئلت داریم؛ همان دینی که درباره‌ی آن فرموده است: **«أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ»**^۳؛ «آگاه باشید که دین خالص برای خداوند است» و فرموده است: **«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ»**^۴؛ «امروز دینتان را برایتان کامل کردم»، نه همین دینی که امویان، عباسیان، یهودیان و اهل حدیث برای آنان ساخته‌اند!



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور شاهنشاهی خراسانی
مجلس مجتهدین و علمای بزرگوار



۱. التَّجْم / ۱۸

۲. صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۱۱؛ صحیح ابن حبان، ج ۱، ص ۲۵۵

۳. الزُّمَر / ۳

۴. المائدة / ۳

